

عنوان مقاله:

رویکرد انتقادی مرلوپونتی به قصدیت هوسرل

محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 14، شماره 55 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

سمیه رفیعی - فلسفه دانشگاه تبریز

محمد اصغری - دانشگاه تبریز

محمود صوفیانی - عضو هیات علمی گروه فلسفه دانشگاه تبریز

خلاصه مقاله:

مرلوپونتی در پدیدارشناسی ادراک می کوشد تا از تبیین سنتی قصدیت فراتر رود و به این منظور به توصیف پدیدارشناسی بدن می پردازد. به نظر مرلوپونتی، میان جهان و آگاهی جدایی وجود ندارد و این دو در هم گره خورده اند. آگاهی برای مرلوپونتی، سوژه محضی نیست که مقوم ذوات و ماهیات لایزال باشد و به پدیدارها معنا ببخشد، بلکه بدن سوژه ای است که روی به جهان دارد و نمی تواند از این حوزه عملی که در جهان دارد، جدا شود. اعیان این سوژه بدن نیز در همین حوزه پدیداری قرار دارند که با روی آوردن بدن زیسته به آن ها تعیین می یابد و از ابهام خارج می شوند و از این طریق، معنای آن ها متولد می شود. بر این اساس، قصدیت از نظر مرلوپونتی، جهت گیری در جهان و روی داشتن به خود جهان است و حالات قصدی در برخوردها یا حالات جسمانی واقع در نوعی محیط فیزیکی و انضمامی تحقق می پذیرند. در این مقاله، می کوشیم تا تفسیری از مفهوم قصدیت از منظر مرلوپونتی ارائه دهیم که خود آن را قصدیت عملی می نامد و تفاوت ها و مشابهت های آن را با قصدیت هوسرل تبیین کنیم. تفاوت اصلی دیدگاه این دو فیلسوف در نقد مرلوپونتی بر ساختار نوئسیس نوئمای هوسرل است. او ادعا می کند که معنا، ذاتی حوزه پدیداری است و امکان ندارد از طریق تمایز میان ماده و صورت تجزیه و تحلیل شود.

کلمات کلیدی:

قصدیت، مرلوپونتی، قصدیت عملی، روی داشتن، بدن سوژه، نوئسیس نوئما

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/871796>

